

شازده کوچولو

آنتوان دوست‌الزوی

ترجمه: فهیمه شهبازی فراهانی

سرشناسه	سنت اگزوپری. آنتوان دو، ۱۹۰۰ - ۱۹۴۴م.
عنوان و نام پدیدآور	Saint-Exupery, Antoine de
مشخصات نشر	تهران: نهال نویدان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۳۱ ص:، مصور: ۱۴ × ۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۶۸۰-۶۳-۱۰-۶۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Le petit prince.
یادداشت	کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.
موضوع	داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م.
شاسه افزوده	شهرایی فراهانی، فهیمه: ۱۳۶۷ - مترجم
رده بندی کنگره	PQ۲۶۲۳/ش۳/۱۳۹۳
رده بندی دیویی	[ج] ۹۱۲/۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۹۲۵۹۱

انتشارات نهال نویدان

نام کتاب: شازده کوچولو
نویسنده: آنتوان دوست اگزوپری
ترجمه: فهیمه شهرایی فراهانی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپخانه: ناصح
ناظر چاپ: فاطمه خانم محمدی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۸۰-۶۳-۱-۱
قیمت: ۶۵۰۰ تومان

انتشارات نهال نویدان: تهران - خ پیروزی، خ دهم فروردین،
خ تاجری، ک جاوری، پلاک ۱۷ تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۶۹۷۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

آنتوان دوست اگزوپری فرزند سوم ژان دوست اگزوپری بازرس بیمه در جنوب فرانسه و ماری دوفونسکلومب، اشراف زاده‌ای فرانسوی، بود و در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰ در شهر لیون به دنیا آمد. پدر و مادر او اهل لیون نبودند و در آن شهر نیز سکونت نداشتند، بنابراین تولد آنتوان در لیون کاملاً اتفاقی بود. علی‌رغم فقر، خانواده دوست اگزوپری یکی از اصیل‌ترین خانواده‌های اشرافی جنوب فرانسه بود. چهار سال پیشتر نداشت که پدرش مرده و مادرش به تنهایی نگهداری و تربیت او را به عهده گرفت. دوران کودکی او با یک برادر و دو خواهر در سن موريس و مول که املاک مادر بزرگش در آنجا بود سپری شد و

دوره دبستان را در مان به پایان رسانید. در مان او شاهد آزمایشهای برادران رایت مخترعان هواپیما بود، که در صدد فروش اختراعتشان به دولت فرانسه بودند. او اولین پروازش را در فرودگاه مان تجربه کرد. در آغاز دوره دبیرستان نزد یکی از استادان موسیقی به آموختن ویلن پرداخت. در ۱۹۱۴ برای ادامه تحصیل به سوئیس رفت. آنتوان در دوران تحصیل در دبستان و دانشکده گاهی ذوق و قریحه شاعری و نویسندگی خود را با نگاشتن و سرودن می آرمود و اغلب نیز مورد تشویق و تقدیر دبیران و استادانش قرار می گرفت، اما در کل دانش آموز متوسطی بود که به سهل انگاری معروف بود. در سال ۱۹۱۷ تنها برادرش فرانسو به بیماری روماتیسم قلبی درگذشت و بار مسئولیت خانواده یکباره به گردن او افتاد.

بعد از دریافت دیپلم، خانواده آگروپری او را تشویق کردند تا وارد نیروی دریایی شود که محل خدمت بسیاری از اشراف زادگان فرانسوی بود. اما آگروپری، که علاقه ای به نیروی دریایی نداشت، نتوانست به دانشگاه نیروی دریایی راه یابد و دوباره در امتحان ورودی این مدرسه مردود شد. بعد از شکست در ورود به مدرسه نیروی دریایی او برای انجام خدمت نظام وظیفه به نیروی هوایی فرانسه پیوست. او با زیر پا گذاشتن مقررات به فراگیری خلبانی پرداخت و گواهینامه پرواز خود را دریافت کرد.

او همچنین در امتحانات افسری نیروی هوایی پذیرفته شد و برای خدمت به مراکش فرستاده شد. در سال ۱۹۲۳ بعد از اتمام خدمت سربازی قصد داشت به زندگی معمولی خود بازگردد و حتی مدتی نیز به کارهای گوناگون پرداخت، ولی بالاخره با راهنمایی و اصرار یکی از فرماندهان نیروی هوایی که سخت به او علاقه‌مند بود، به خدمت دائمی ارتش درآمد. بعد با پروازهای بسیارش به سرزمین‌های گوناگون و به میان ملت‌های مختلف با زیبایی‌های طبیعت و چشم‌اندازهای متنوع جهان و با جامعه‌های گوناگون آشنا شد و طبع حسّاس و نکته‌سنجش بیش از پیش الهام گرفت و از هر جرمنی خوشه‌ای یافت. سال‌ها در راه‌های هوایی فرانسه - آفریقا و فرانسه - آمریکای جنوبی پرواز کرد. در سال ۱۹۲۳ پس از پایان خدمت نظام به پاریس بازگشت و به مشاغل گوناگون پرداخت و در همین زمان بود که نویسندگی را آغاز کرد.

سنت اگزوپری جوان به دختر زیبایی دل بسته بود که خانواده دختر به سبب زندگی نامنظم و پر حادثه هوایی با ازدواج آن دو مخالفت کردند. نشانه‌ای از این عشق را در اولین اثرش به نام «پیک جنوب» در سال ۱۹۲۹ می‌توان دید. در سال ۱۹۲۵ داستان کوتاهی از او به نام «مانون» در یکی از ماهنامه‌های پاریس چاپ شد اما کسی او را در زمره نویسندگان به شمار نیاورد، و خود او

نیز هنوز به راستی گمان نویسندگی به خود نمی‌برد. در همین اوان بود که برای یک مأموریت سیاسی به میان قبایل صحرانشین مور در جنوب مراکش رفت و چون به خوبی از عهده اجرای این مأموریت برآمد مورد تشویق فرماندهان وقت قرار گرفت. «پیک جنوب» اثر دیگر اگزوپری یادگار زمانی است که نویسنده هوانورد در میان قبایل صحرانشین مراکش به سر می‌برد. هنگام بازگشت به فرانسه نخستین راه‌آوردی که با خود آورد، دست نویس کتاب پیک جنوب بود. او این نوشته را به وسیله پسر عمیش به چند تن از ادیبان و نویسندگان فرانسه نشان داد، و آنان بیش از حد انتظار تشویقش کردند. در همین اوان یکی از ناشران سرشناس پاریس قراردادی برای انتشار پیک جنوب و چند نوشته دیگر با او بست و آنگاه اگزوپری به ارزش کار خود پی برد.

در سال ۱۹۲۷ برای انجام مأموریت دیگری به آمریکای جنوبی رفت و در آنجا وقت بیشتری برای پیگیری افکار خویش یافت. دو کتاب جالب او به نام «زمین انسان‌ها» و «پرواز شبانه» یادگار آن زمان است. شهرت نویسنده با انتشار داستان «پرواز شبانه» آغاز شد که با مقدمه‌ای از آندره ژید در سال ۱۹۳۱ انتشار یافت و موفقیت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد.

در سال ۱۹۳۰ بار دیگر به فرانسه بازگشت و در شهر آکه که مادر و خواهرش هنوز در آنجا اقامت داشتند عروسی کرد. در سال ۱۹۴۱ اثر زیبای او به نام «پرواز شبانه» که مورد تقدیر و تحسین آندره ژید نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی قرار گرفته بود، منتشر گردید و چندی نگذشت که به چند زبان اروپایی ترجمه شد و مقام ادبی و شخصیت هنری اگزوپری را به اثبات رسانید. در سال ۱۹۳۵ با هواپیمای خود به کشورهای مدیترانه‌ای سفر کرد و بین ازبیش با زیبایی محیط آشنا شد. سپس در کشورهای آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا به گردش پرداخت و از هر یک از آن کشورها و از این سفرهای تفریحی و سیاسی نوشته‌های اندوخت و ارمغانی آورد که در روزنامه‌ها و مجلات پاریس به چاپ می‌رسید.

در سال ۱۹۳۷ از آمریکا بازگشت ولی چون بر اثر سانحه هوایی که در گواتمالا برای هواپیمای او پیش آمد، سخت آسیب دیده بود، مدتی بستری شد.

در سال ۱۹۳۹ اثر معروف اگزوپری به نام «ومین انسان‌ها» برای نخستین بار منتشر شد و چندان مورد توجه واقع شد که از طرف فرهنگستان فرانسه به دریافت جایزه نایل گردید. اگزوپری در همان سال بار دیگر به آلمان رفت و به رهبری اوتو آبتز مرد سیاسی آلمان هیتلری و مدیر انجمن روابط فرهنگی فرانسه از

مدارس برلن و از دانشگاه دیدن کرد. به هنگام بازدید از دانشگاه، از استادان پرسید که آیا دانشجویان می‌توانند هر نوع کتابی را مطالعه کنند و استادان پاسخ دادند که دانشجویان برای مطالعه هر نوع کتابی که بخواهند آزادند ولی در شیوه برداشت و نتیجه‌گیری اختیار ندارند، زیرا جوانان آلمان نازی به جز شعار «آلمان برتر از همه» نباید نظر و عقیده‌ای داشته باشند. آگروپری در همان چند ساعتی که در دانشگاه و دبیرستان‌ها به بازدید گذرانید، از فریاد مدام «ز قله باد هیتلر» و از صدای برخورد چکمه‌ها و مهمیزها ناراحت بود، در هنگام بازگشت به اوتو آبتز گفت: «من از این تیپ آدم‌ها که شما می‌سازید خشمم نیامد. در این جوان‌ها اصلاً روح نیست و همه به عروسک کوچکی می‌ماند.» اوتو آبتز بسیار کوشید تا با تشریح آرا و نظرات حزب نازی نظر نویسنده‌ی جوان را با خود هم‌داستان کند ولی موفق نشد.

پس از تسلیم کشور فرانسه به آلمان، آگروپری به آمریکا مسافرت کرد و کتاب‌های زیبایی چون «قلعه»، «شازده کوچولو» و «خلبان جنگی» را در این دوران منتظر کرد. اثر کوچکی که در آمریکا نوشته بود به نام «نامه به یک گروگان» در ۱۹۴۳ منتشر شد.

در ۱۹۴۳ شاهکار سنت آگروپری به نام شازده کوچولو انتشار یافت که حوادث شگفت‌انگیز آن با نکته‌های دقیق و عمیق روانی

همراه است. شازده کوچولو یکی از مهم‌ترین آثار وی به شمار می‌رود که در قرن اخیر سومین کتاب پُر خواننده جهان است. این اثر از حادثه واقعی نشأت گرفته که در دل شن‌های صحرای موریتانی برای سنت آگزوپری روی داده است. خرابی هوایمان، خلبان را به فرود اجباری در دل آفریقا وامی‌دارد و از میان هزاران ساکن منطقه پسر بچه‌ای با رفتار عجب و غیرعادی خود جلب توجه می‌کند! پسر بچه‌ای که اصلاً به مردم اطراف خود شباهت ندارد و پرسشی‌هایی را مطرح می‌کند که خود موضوع داستان قرار می‌گیرد. شازده کوچولو از کتاب‌های کم نظیر برای کودکان و شاهکاری جاودان است که در آن تصویرهای ذهنی با عمق فلسفی آمیخته است. او این کتاب را در سال ۱۹۴۰ در نیویورک نوشته است. در این اثر خیال‌نگیز و زیبا فلسفه دوست داشتن و عواطف انسانی در خلال سطرها به سادگی و در عین حال ژرف‌ترین شکل تجزیه و تحلیل شده و نویسنده در سرتاسر کتاب کسانی را که با غوطه‌ور شدن و دل بستن به مادیات و پابندی به تعصب‌ها و خودخواهی‌ها و اندیشه‌های خرافاتی بیجا از راستی و پاکی و خوی انسانی به دور افتاده‌اند، زیر نام آدم بزرگ‌ها به باد تمسخر گرفته است.

به هنگام گشایش جبهه دوم و پیاده شدن قوای متفقین در شمال آفریقا، بار دیگر با درجه سرگردی به نیروی هوایی فرانسه

آزاد ملحق شد، گرچه از نظر سیاسی فردی مطرود به شمار می آمد. در ۳۱ ژوئیه ۱۹۴۴ برای پروازی اکتشافی بر فراز فرانسه اشغال شده از جزیره کرس در دریای مدیترانه با یک فروند هواپیمای غیرمسلح به پرواز درآمد، و پس از آن دیگر دیده نشد. دلیل سقوط هواپیمایش هیچ گاه مشخص نشد اما در اواخر قرن بیستم پس از پیدا شدن لاشه هواپیمایش این طور به نظر می رسید که برخلاف ادعاهای پیشین، او هدف آلمان ها واقع نشده است زیرا بر روی هواپیما اثری از تیر دیده نمی شود و احتمال زیاد می رود که سقوط هواپیما بر اثر نقص فنی بوده است.

چهار سال پس از مرگش «قلعه» از او به چاپ رسید و چنانچه خود نویسنده در آن اظهار کرده بود، اثری ناتمام است که هرگز پایان نمی پذیرد.

سنت اگزوپری نویسنده ای شاعر و مخترعی با استعداد و مردی متفکر است. در آثار او که همه حاکی از تجربه های شخصی است، تخیل های نویسنده ای انسان دوست دیده می شود که در دنیای وجدان و اخلاق به سر می برد و فلسفه اش را از عالم عینی و واقعی بیرون می کشد. شخصیت پر جاذبه سنت اگزوپری که نمونه واقعی بلندی طبع و شهامت اخلاقی بود، پس از مرگش ارزش افسانه ای یافت و آثارش در شمار پر خواننده ترین آثار قرار گرفت.

تقدیم به ثون ورت

از بچه‌ها معذرت می‌خواهم که این کتاب را به یک آدم بزرگ هدیه کرده‌ام. عذر من موجه است؛ این آدم بزرگ بهترین دوستی است که در دنیا دارم. عذر دیگری دارم؛ این آدم بزرگ می‌تواند همه چیز حتی کتاب بچه‌ها را بفهمد. عذر سوم می‌هم دارم؛ این آدم بزرگ ساکن فرانسه است و سرما و گرسنگی می‌خورد و نیاز به دلجویی دارد. اگر تمام این عذرهای کافی نباشد می‌خواهم این کتاب را به بچگی آن آدم بزرگ تقدیم کنم همه آدم بزرگ‌ها اول بچه بوده‌اند (هر چه کمی از آن به یاد می‌آورند) در نتیجه عنوان هدیه خود را این چنین تصحیح می‌کنم:

تقدیم به ثون ورت

آن وقت که پسرکی بود.